

جستجو در درختواره

<span></span>
<span></span>
خارج فقه
خارج اصول
اخلاقی
تفسیر
عقاید

جستجو در منی

## 5 - «کتاب الحج» - 15/06/85

در آستانه میلاد مبارک حضرت ولی عصر (عج) قرار داریم و امیدواریم در سایه آن حضرت و تحت توجّهاتش بتوانیم در این دوران تاریک غیبت کبری وظایفان را در مقابل ایشان انجام دهیم. ما همیشه مطالباتمان را از آن حضرت بیان می کنیم ولی باید به وظایفان هم توجّه کنیم.

«حدیث اخلاقی: ادب در خطاب»

متن حدیث:

**عن منصور بن حازم عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: ثلاثة ترذّ عليهم رذّ الجماعة و إن كان واحداً عند العطاس تقول يرحمكم الله (خدا شما را مشمول رحمتش قرار دهد) و إن لم يكن معه غيره و الرجل ليسلم على الرجل**

## فیعقول «السلام علیکم» و الرجل يدعو للرجل یقول: «عافاکم الله» و إن کان واحداً فإنّ معه غيره.(۱)

ترجمه حدیث:

امام صادق(علیه السلام). می فرماید: سه گروه است که اگر چه بکنفرنند ولی به صورت جمع به آنها پاسخ بگو، در هنگام عطسه دیگری بگو: خدا شما را مشمول رحمتش قرار دهد، اگر چه کسی همراه او نیست (تو به صیغه جمع بگو) و در هنگام سلام کردن به دیگری بگویند: سلام علیکم (به صیغه جمع) و در هنگام دعا برای سلامتی دیگری بگویند خداوند شما را عافیت دهد، اگر چه یک نفر است (ولی به صیغه جمع بگویند) چرا که همراه او دیگری هست.

شرح حدیث:

از این حدیث استفاده می شود که در خطاب با مردم و در مناسبات بین آنها باید نهایت ادب رعایت شود. این سه فئونه که در روایت آمده بیان مصادیق روشن و از باب فئونه است و منحصر به اینها هم نیست و تمام امور باید ادب رعایت شود.

در اسلام راجع به ادب در بیان و عمل تأکید فراوانی شده است. در حالات انبیا مشاهده می کنیم که مأمور به ادب بودند، به عنوان مثال در داستان حضرت موسی(علیه السلام) آمده است که به او خطاب شد «وَقَوْلَا لَهُ قَوْلَا لَیِّنًا» (2)، از او خواسته شد با ادب و قول لَیِّن یا فرعون سخن بگوید تا شاید اثر کند، چون با ادب احتمال اثر بیشتر است و یا در داستان حضرت سلیمان در جریان نامه ای که به ملکه سبا نوشتند، نامه به صفت کریم توصیف می شود چون نامه در نهایت ادب نوشته شده و خشونتى در آن نیست، با آن که حکومت ملکه سبا با حکومت حضرت سلیمان قابل مقایسه نبود.

و یا در داستان حضرت موسی می خوانیم که خطاب به خداوند می گوید «رَبِّ اِنِّیْ لَمَّا اَنْزَلْتَ اِلَیْیَ مِنْ خَیْرِ فَخَیْر» (3) که نشانه ادب است و یا در سوره حجرات رعایت ادب نسبت به ائمه(علیهم السلام) و پیامبر(صلی الله علیه وآله) را آموزش می دهد و می گوید که با نام اصلی آنها را صدا نزنید و با ادب سخن بگویید: اینها نشان می دهد که در اسلام به ادب خیلی اهمیّت داده شده است.

در اینجا برای تکمیل بحث دو روایت از حضرت علی (علیه السلام) در مورد ادب نقل می کنیم:

«إِنَّ بَدْوِی الْعُقُولَ مِنْ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ کَمَا یَقْطَعُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ؛ همان گونه که زراعت نیاز به باران دارد ذوی العقول هم نیاز به ادب دارند.»(4)

«کُلُّ شَیْءٍ یَحْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ وَالْعَقْلُ یَحْتَاجُ إِلَى الْأَدَبِ؛ هر چیزی نیازمند عقل است و عقل نیازمند ادب است.»(5)

از این احادیث استفاده می شود که بین عقل و ادب رابطه است و آدم عاقل یا ادب است.

اگر می خواهید تبلیغات شما اثر کند و مردم با شما همکاری کنند، ادب را رعایت کنید تا آنجا که می توانید از صیغه جمع استفاده کنید. ادب کلید حلّ بسیاری از مشکلات است و همه باید روی آن تمرین کنیم، ادب در سخن در معاشرت، رفت و آمد و ...

تعبیر «إِنَّ مَعَهُ غَیْرَهُ» در روایت به چه معناست؟

یک احتمال این است که فرشتگان همراه اویند چون لائقل همراه هر نفر دو فرشته است و احتمال دیگر این است که همراه او خانواده اش هم ذکر می شود و صیغه جمع آنها را هم شامل می شود.

\*\*\*

بحث در امر ثالث از مقدمات بحث حج در فلسفه، حکمت و آثار حج بود. این حکمتها و آثار را از روایات استفاده می کنیم هر چند تابع حکمت عقل هم هست. این آثار عبارتنداز:

- آثار اخلاقی 2 آثار اجتماعی 3 آثار فرهنگی 4 آثار سیاسی 5 آثار اقتصادی

در بعضی از روایات سه اثر و در بعضی دیگر آثار دیگری غیر از آن سه اثر و در بعضی یک اثر ذکر شده است.

در روایات دو گونه آثار ذکر شده است یک دسته آثار طبیعی مثل آثار اخلاقی و اجتماعی و دسته دیگر آثار مافوق طبیعی است مثل این که کسی که حج بجا آورد خداوند او را از غیر مستغنی می کند و سلامتی به او می دهد. ما فعلا سراغ آثار طبیعی که بر حج مترتب است می رویم:

\* ... عن الفضل بن شاذان (در باب علل شرایع و فلسفه احکام روایات فراوانی دارد) عن الرضاعلیه (السلام) (فی حدیث طویل) قال: **إِنَّمَا آمَرُوا بِالْحَجِّ لَعَلَّ الْوَلَادَةَ** (ورود بر شخص محترم) **إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ طَلَبَ الزَّیَادَةَ وَ الْخُرُوجَ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ** (ارتکاب گناه) **الْعَبْدُ تَائِبًا مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنَفًا لِمَا یَسْتَقْبِلُ مَعَ مَا فِیهِ مِنْ إِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَ تَعَبِ الْأَبْدَانِ وَ الْإِشْغَالِ عَنِ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ وَ حَظَرِ** (منع) **النَّفْسِ عَنِ اللَّذَاتِ شَاطِصًا** (حرکت

**فی الحرِّ وَ البرد ثابتًا علی ذلک دائماً مع الخضوع وَ الإِسْكَانَةِ وَ التَّذَلُّلِ** (اینها آثار اخلاقی حج است که انسان را در طیّ چند روز عوض کرده و تربیت می کند) **مع ما فی ذلک لجمیع الخلق من المنافع لجمیع من فی شرق الأرض و غربها و من فی البَرِّ وَ البحر مَمَّنْ یَحْجُّ وَ مَمَّنْ لَمْ یَحْجِ** (مفهومش این است که وقتی مسلمانان در آنجا گرد هم جمع می شوند برنامه ریزی اقتصادی برای کلّ جهان اسلام می کنند چون جهان اسلام باید به واسطه خودش خود کفا شود). **من بین**

**تاجر و جالب و بائع و مشتری و کاسب و مسکین و مکار و فقیر و فضاء حوائج أهل الأطراف فی المَواضع الممكن لهم الإجتماع فیه** (آثار اقتصادی) **مع ما فیه من التفقّه و نقل أخبار الأئمّة إِلَى كُلِّ صَقْع وَ نَاحِیَةِ** (آثار فرهنگی، همان گونه که در درس قبل بیان شد، در دوران خفکان زمان ائمه، حج درجه ای به سوی آزادی بود که در ایام حج خدمت ائمه(علیهم السلام) رسیده و از محضرشان سؤال می کردند و اخبار را به نقاط مختلف جهان می بردند) **کما قال**

**الله عَزَّوَجَلَّ: «فلولا نفر من کلّ فرقة منهم طائفة لیتنقیّوا فی الدین و لیتدروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحزرون» و لیشدوا منافع لهم.**(6)

**إِنْ قلت:** این که در روایت آمده در حج برای کلّ جهان اسلام برنامه ریزی اقتصادی کنند، این کار توجّه به دنیا است، در حالی که به حج می روند که از دنیا دور شوند.

قلت: اگر به منافع شخصی فکر کنند، اشتغال به دنیا است ولی وقتی برای جامعه اسلامی برنامه ریزی می کنند توجّه به دنیا نیست.

در ذیل روایت به آیه نفر اشاره شده است. حال مطابق این آیه کدام فرقه تفقّه در دین کنند فرقه ای که کوچ می کنند یا فرقه ای که می مانند؟در اصول بیان شد که در این آیه دو تفسیر است:

در بعضی از شأن نزولها داریم که وقتی اعلام جهاد می شد همه برای جهاد آماده می شدند، خطاب شد که همه به جهاد نروند و عده ای بمانند و تفقّه در دین کنند مطابق این شأن نزول نافرین متفقّین نیستند بلکه آنها که می مانند تفقّه در دین می کنند.

تفسیر دیگر این است که نافرین سراغ تفقّه بروند که ظاهر آیه هم همین است.

روایت هم با تفسیر دوم سازگار است که متفقّین نافرین هستند یعنی آنها که به حج رفته اند مسائل را یاد می گیرند و به بقیّه منتقل می کنند.

حال کدام یک از دو تفسیر صحیح است، در حالی که دو تفسیر ضدّین هستند؟ طبق مبنای ما که استعمال لفظ را در اکثر از معنای واحد صحیح می دانیم مانعی ندارد که هر دو تفسیر صحیح باشد.

- وسائل، ج 8، ح 1، باب 41 از ابواب احکام العشرة.
- سوره طه، آیه 44.
- سوره قصص، آیه 24.
- میزان الحکمه، ج 1، ص 53.
- همان مدرک
- ج 15، باب 1 از ابواب وجوب الحج و شرائطه.

## پی نوشت:

## مطالب مرتبط

128- م 46(توقّف تخلية السرب على قتال العدو) - 16/03/86

127- ادامه مسأله 45 - 13/03/86

126 - ادامه مسأله 45 - 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) - 08/03/86

124 - ادامه مسأله 44 - 07/03/86

123 - ادامه مسأله 44 - 06/03/86

\* متن

تعداد بازدیدکنندگان : ۲۳۱۰



فارسی

العربية

اردو

Azerbaijan

Русский

English

Español

Français